

## بررسی آسیب شناختی درسی در مطالعات و آموزش ادبی

جهاندوست سبزهعلیپور

دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان،

مطرب هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

### مقدمه

گذار از روش تحقیق و آموزش سنتی ادبیات فارسی، مراکز ادبی و دانشگاهی را به سوی علمی شدن کشانده و ادبیات فارسی را همپای دیگر رشته ها قرار داده است، به طوری که روش تحقیق علوم پایه مبنای روش تحقیق و آموزش زبان و ادبیات فارسی فرض شده است. وجود پیشینه ای درخشان در آموزش سنتی ادبیات فارسی و داشتن روشی تجربی اما هدفمند بر هیچ کس پوشیده نیست، احاطه بر جمیع جوانب ادب فارسی، از ویژگیهای روش سنتی پژوهشهای ادبی کشور مان بود.

در عصر حاضر به بهانه قرار گرفتن در عصر دانش و تخصصی شدن مسائل جزئی، روش جدید پژوهش و آموزش ادبی، مبنای کار مراکز ادبی و دانشگاهی قرار گرفته و جزئی نگری و جزوه خوانی اساس آموزش شده است. این امر تا بدانجا پیش رفته که از حفظ و فهم دیوانهای قطور به قرائت چند غزل، آنهم به روش لغتنامه ای بسنده کرده اند و تمام هم و غم یک کلاس دانشگاهی به پایان رساندن همان جزوه کوچکی است که به این منظور تهیه شده است؛ اگر هم چنان توفیقی حاصل نشد، حذف فصولی از آن و جیزه در آخر ترم، حلال مشکلات آموزشی خواهد بود.

در بعضی از رشته ها، نوشتن مجموعه ای از قواعد و ویژگیهای دستوری، معادله های گونه گون و فرآز و فرمولهای شیمیایی در یک مجموعه کوچک و در اختیار دانشجو قرار دادن آنها، باعث صرفه جویی در وقت آن کلاس ها می شود؛ پر واضح است که برای بعضی از رشته ها وجود درسی لازم است زیرا مجموعه قواعد و فرمولها در یک جزوه کوچک جای می گیرد، اما ادبیات در هیچ زمانی اسیر چند قاعده و معادله نبوده است تا با صید و ارائه آنها به دانشجو او را آشنای ادبیات کنیم. اگر نداشتن وقت کافی در طول یک ترم تحصیلی همه این امور را مباح می کند، این سوال پیش می آید که درسی را چه کسانی و چگونه باید بنویسند؟ و چه معیارهایی برای نوشتن درسی وجود دارد؟

این مقاله دارای سه بخش است: بخش نخست شامل آسیبهای کلی درسی های موجود زبان و ادبیات فارسی و بخش دوم و سوم شامل نقد دو نمونه از درسی ها است. در این مقاله سعی شده است به تعدادی از آسیبهای درسی های موجود رشته زبان و ادبیات فارسی اشاره شود، گرچه اینها آسیبهای بسیاری از درسی ها می موجود اند، اما محور بحث و تکیه اصلی بیشتر بر دو سری از درسی ها است، یکی درسی های "فارسی عمومی" دیگری درسی های "آیین نگارش و ویرایش". پس از ذکر کلیات برای ارایه نمونه، چهار کتاب از کتابهای "فارسی عمومی" و دو کتاب هم از کتابهای "آیین نگارش و ویرایش" انتخاب و

بررسی شده اند. دلیل انتخاب این کتابها این است که اولاً همه از انتشاراتی معتبر مانند: سمت، سخن، قطره و نشر دانشگاهی اند؛ دوم اینکه چندین بار تجدید چاپ شده اند (مثلاً ۳۶ بار)؛ سوم اینکه مولف یا مؤلفین در مقدمه تصریح کرده اند که آن کتاب را برای "فارسی عمومی" یا "آیین نگارش و ویرایش" نوشته اند. (مشخصات کامل کتابهای بررسی شده در ادامه خواهد آمد.)

در زیر چند نمونه از آسیبهای کلی درسنامه های موجود رشته زبان و ادبیات فارسی به طور اجمال ذکر می شوند، ذکر این نکته لازم است که این آسیبها متوجه همه ی درسنامه ها نیست و آنچه هم در ذیل می آید همه ی آن آسیبها نیست:

#### ۱-۱ متفاوت بودن نظرات تا حد تناقض

اگر کلیه دانسته های بشری را به دو دسته ی گزاره های قطعی و گزاره های غیر قطعی تقسیم کنیم، ادبیات شامل گزاره های غیر قطعی است؛ یعنی نمی توان صراحت و جزمیت علم را در آن به کار گرفت، با این حال گزاره های ادبی از نوعی نیست که ضد و نقیض بنماید و از شخصی به شخصی و از مفسر و منتقدی به مفسر و منتقدی دیگر، تغییر ماهیت دهد؛ می توان با همه ی اختلاف های ادبی به اکثریت اشتراک دست یافت و تنها اقلیت را به خاطر اختلاف ذوق و مشرب از دست داد.

در بسیاری از درسنامه ها اختلاف ذوق و مشرب به حدی است که از اقلیت ممکن فراتر رفته و تا حدی به تناقض نزدیک شده است؛ گرچه تفسیرهای شفاهی اساتید در کلاسهای درس، نیز، از نوع اختلاف مشرب است، اما این گفتمان در متن کلاس صورت می گیرد و مختص کلاس است، در مورد درسنامه وضع بسیار تفاوت دارد، چرا که درسنامه بر کاغذی ثبت شده، شهر به شهر خواهد گشت و اختلاف سلیقه ی نویسنده اش را به همه ی خوانندگان حال و آینده و دور و نزدیک انتقال خواهد داد، به حدی که دانشجو یاد خواهد گرفت در دیالکتیک نظرهای متفاوت و گاه متناقض سرگردان بماند.

ذکر یک نظر، جنب سایر نظرات، فرصتی به دانشجو می دهد تا بتواند با عقل سلیم خود یکی از نظرات متعلقه (نه لزوماً متفاوت) را انتخاب نماید و با مطالعه بیشتر سایر نظرات را هم نقد کند؛ ولی ذکر یک نظر وحی منزک گونه، قدرت اجتهاد خواننده را به صفر خواهد رساند و نتیجه چنین حکمی این خواهد بود که در آینده آن حکم با همان قطعیت، توسط کسی دیگر صادر شود و این دور باطل جزم اندیشی ادامه پیدا خواهد کرد و از طرفی دیگر گاهی، نظرات متناقض، دستاویزی برای رد همه ی نظرات است.

#### ۱-۲ تقیضه گویی در مواضع مختلف

یکی دیگر از آسیبهای درسنامه های موجود، قبول نکردن نظرات دیگران و ارایه نظری تازه است. وقتی بزرگان در امری اختلاف داشته باشند، دیگران برای گذر از اختلاف و حل مسأله، راه حلی جدید و غریب ارایه می کنند و گاهی با شجاعت هر چه تمامتر نظر نویافته خود را در بوق و کرنا کرده، در درسنامه هایشان ثبت می کنند.

گرچه مطالعات ادبی، فلسفه و زیان‌شناسی با روش‌های جدید خود بسیاری از ابهام‌ها و مشکلات ادبی را حل کرده و موفق به ارائه دلایلی برای بطلان بعضی از نظرات گذشتگان شده‌اند؛ اما این به آن معنی نیست که گذشتگان در همه‌ی موارد نظری نارسا داشته‌اند؛ بارها مشاهده شده است که محققین جدید با عملی کردن روشی جدید از علوم نویافته، نظرات استاد‌های قدیم را رد کرده و در هیچ موردی راضی به تبعیت از قول و قلم آنان نیستند و هر جا که نظری قدیمی دیده‌اند، راه خود را کج کرده‌اند و به سرعت سعی در چاپ کتب جدید نموده‌اند، تا ثابت کنند که گذشتگان چیزی نمی‌دانستند و از آنجا که خودشان جسته و گریخته به نظرات اروپاییان در زیان‌شناسی، فلسفه و مطالعات ادبی دست یافته‌اند؛ و آشنایی کامل در این زمینه ندارند، در گفتارشان نقیضه‌گویی‌های بسیاری مشاهده می‌شود.

### ۱-۳ توقف در بحث‌های ریز لغوی، دستوری و بلاغی و از دست دادن معانی جملات

مخلوبه منابع درسی رشته زبان و ادبیات فارسی، گستره تاریخی بیش از هزار سال را در بر می‌گیرد. در این هزار سال، زبان فارسی تغییر بسیاری کرده است؛ به طوری که گاهی شکل یک واژه در قرن چهارم و پنجم هجری قمری با شکل آن در عصر حاضر تفاوت بسیاری دارد؛ گونه‌گونی و تنوع زبانها و گویش‌هایی که شعرا و نویسندگان ایرانی از آنها استفاده کرده‌اند، فهرستی گسترده و باز از واژگان مهجور را بوجود آورده است، که در هر متنی به راحتی خود نمایی می‌کنند. گاهی حل معمای یک واژه به ایراد مقالات متعددی منجر شده است.

وجود پاره‌ای لغات مشکل در هر متنی بر هیچ کس پوشیده نیست، اما واضح است که نویسندگان و شعرا در ورای این الفاظ و کلمات "معنایی" نهاده‌اند که جوهره ادبیات فارسی همان است و اگر در دوره‌ای عده‌ای آنها را سرفصل دروس و واحد‌های دانشگاهی قرار داده‌اند، به خاطر همان جوهره ادبی است نه چیز دیگر، لیکن در دروس و واحدهای دانشگاهی قرار داده‌اند، به خاطر همان جوهره ادبی است؛ به طوری که در یک سطر به جز حروف ربط و عطف و پیوند، همه را تک تک در پاورقی شرح داده‌اند؛ در این بین از سفر به ماورای واژه‌ها خبری نیست.

یک دانشجوی فرصت‌گذر از این همه پانوشتها (و توضیحات احتمالی مدرس) را نخواهد داشت، و با سیاه کردن کتاب، خود را در یک شبکه عنکبوتی خواهد پیچید که تا آخرین سال از آن شبکه بیرون نخواهد آمد. و در طول نیمسال تحصیلی رسالتش این خواهد بود که - برای گرفتن نمره - به چیزی اهمیت بدهد که در برنامه نویسی یا مدرس به آنها اهمیت داده است؛ چرا که تاکید در برنامه نویسی خود گویا این حقیقت است.

### ۱-۴ خط قرمز کشیدن بر روی عده‌ای از شعرا و نویسندگان

در درس‌هایی مانند سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات، نقد ادبی و فارسی عمومی، شعرا و نویسندگان دوره‌های مختلف از منظر‌های گوناگون بررسی می‌شوند، و معمولاً برای شناخت بهتر هر دوره با نگاهی شامل همه محصولات آنها مورد بازبینی و موشکافی قرار می‌گیرند تا یک نظر صحیح درباره‌شان بیان شود.

تلقی عده ای آن است که شاعر یا نویسنده باید پاک و معصوم و دارای قلمی مقدس و متعهد باشد تا اقبال آن را داشته باشد در دروننامه های تاریخ و ادبیات ذکر شود و سر کلاسهای آموزش ادبیات فارسی بررسی و نقد شود. چون عده ای از شعرا و نویسندگان در دورانی از زندگی یا در گوشه ای از آثارشان این گونه نیستند به آن اقبال دست پیدا نمی کنند.

درست است که نمی توان از همه ی "اسیاهی لشکرها" بحث کرد، اما از "سرلشکرها" می توان حرف زد. وقتی شاعر و نویسنده ای در عصر خود سر آمد و صاحب سبک است؛ نباید به دلایلی او را از گردونه خارج کرد، بلکه لازم است از نظر جامعه شناسی ادبیات بررسی شود تا عامل یا عوامل چنان تشخص و برجستگی آشکار شود، و معلوم گردد چه چیزهایی در سر آمد شدن آن شخص دخیل بوده اند. به عنوان نمونه داستان بوف هدايت از جمله داستانهایی است که یا عده ای به کلی طردش کرده و ضالّه اش نامیده اند و عده ای هم بالعکس دایه ی مهربانتر از مادر شده و تمام افکار خود را در لُفّاه آن پیچیده، تقدیم دیگران کرده اند.

#### ۱-۵ ذوقی بودن ملاک دروننامه نویسی

اگر الگوی اولیه و پیش نمونه ای از چیزی در دست باشد، دیگران سعی در اقتدا به آن خواند داشت و آن را نصب العین خود قرار می دهند؛ و آلا هرکسی سعی در ارایه الگویی جدید (نه لزوماً متفاوت) خواهد داشت.

گرچه در دوره ای از آموزشهای ادبی تلمذ نزد بزرگی، بزرگی محسوب می شد، امروزه مشاهده شده است عده ای از دروننامه نویسان خود به راحتی به استادگی در مقابل رای استاد خود افتخار می کنند؛ با اینکه بی نفسه ارایه نظر جدید و کامل - ولو مخالف نظر استاد - افتخاری هم برای استاد و دانشجو است، اما آنچه غالباً امروزه مشاهده می شود، چیزی "دیگری" است.

نبود یک الگو و معیار در پاره ای از مسایل، چنان شده است که هر کسی آن گونه که خود می پسندد، (مانند پسندیدن پست مدرنیستها) عمل می کند. و این تلمذ سلايق از آسیبهای این امر است، به طوری که تفکر ادبی دانشجویان یک کلاس با تفکر ادبی دانشجویان کلاسی دیگر و دانشکده ای دیگر و دانشگاهی دیگر تفاوت بسیار دارد، عده ای سنت گرا، عده ای نو اندیش و عده ای انقلابی و هنجار شکن و عده ای محتاط و سنگین رو اند.

فقدان الگوی واحد در چیدمان فصول کتابهای درسی یا عدم تبعیت از معیارهای نیمه رسمی موجود، چنان شده است که هر مولفی آن گونه که می خواهد و ذوقش یاری می کند، دروننامه اش را تنظیم می کند. درست است که تفاوت و تغییر و تازگی خود عامل اجتهاد بیشتر است و دانشجو را مخیر می کند تا نمونه اکمل و احسن را انتخاب نماید، لیکن نظر تازه با نظر کامل تفاوت بسیار دارد، هر نظر تازه لزوماً نظری کامل نیست.

#### ۱-۶ محدود کردن ادبیات به اندازه دنیای ذهنی دروننامه نویسی

خصیلت و جوهر هنر و ادبیات به گونه ایست که نمی توان مقیدش کرد، بلکه هر لحظه به شکلی دیگر در عرصه ای دیگر ظهور می کنند، و هیچ کس را توان ادعای تسلط بر ادبیات یک ملت نیست. عرصه های گوناگون و نو ظهور ادبیات خود شاهی بر این مدعاست، ادبیات (علی الخصوص زبان و ادب فارسی) اقیانوسی است؛ و گاهی فاصله ی موضوعاتش تا حدی یک گرایش دانشگاهی پیش می رود. این تنوع موضوعات و عرصه های نو ظهور ادبیات هرگز به آن معنی نیست که در پاره ای از دروس به ویژه دروس فارسی عمومی، دانشجویان رشته های دیگر را فقط به موضوعاتی سوق دهیم که خود بدان تسلط یا علاقه داریم و از آشنا کردن آنها با سایر موضوعات بپرهیزیم.

درست است که در هفده جلسه دانشگاهی حتی سر فصل موضوعات ادبی را نمی توان تبیین کرد؛ اما در سنانه مجالی است برای این کار، تا هر چه را یک دانشجو در زمینه زبان و ادبیات فارسی لازم است بداند، در آن معرفی شود؛ گرچه خارج از دنیای ذهنی در سنانه نویس باشد. چنین درسی جایگاه آرایه روشها و موضوعات و راهکارهایی است برای دانشجویان، تا خودشان با عرصه های مختلف ادبی- هنری آشنا شوند و بعد از کلاس راهی را که دوست می دارند، پی بگیرند.

#### ۱-۷ "کلاس بنیاد"ی بودن بعضی از در سنانه ها

در بعضی از رشته ها، نوشتن مجموعه ای از قواعد و ویژگیهای دستوری، معادله های گوناگون و فرآر و فرمولهای شیمیایی در یک مجموعه ی کوچک و در اختیار دانشجو قرار دادن آنها، باعث صرفه جویی در وقت آن کلاسها می شود و دانشجو به جای پرداختن به یادداشت برداری در سر کلاس از مجموعه از قبل تهیه شده استفاده می کند و سر کلاس به مسایل دیگری می پردازد. شاید این یگانه موردی باشد که همسو با اهداف در سنانه نویسی است.

ادبیات فارسی یا لااقل در سهایی از آن-که مورد نظر ماست- از نوعی نیستند که اسیر چند قاعده و فرمول باشند و با صید آنها و آرایه به دانشجویان، بتوان آنها را اشنای ادبیات کرد.

بسیاری از اساتید دانشکده های فنی، علوم، و ... از قبل طبق یک برنامه ریزی جزواتی را مطابق برنامه هفتگی تعیین می کنند و با آن پیش می روند و مانند طرح درسی منظم و حل تمریناتی به کارشان ادامه می دهند؛ اما در ادبیات این کار قابل اجرا نیست به هیچ روی نمی توان در کلاسهای دانشگاهی همه مطالب را آرایه کرد، با این حال عده ای در سنانه خود را طوری طراحی می کنند که گویا طرحی درسی است و باید اول هر هفته از نقطه "الف" شروع کرد و به نقطه "ب" ختم کرد. و حتی در فهرست آنها چنین رویکردی هویداست؛ اما همان طور که گذشت جلسات دانشگاهی برای بسیاری از در سهای ادبیات فقط سر آغاز آشنایی و خط مشی گرفتن برای آینده است و کلاس و آموزش های کلاسی فقط واسطه آشنایی با ادبیات است نه خود ادبیات؛ و در سنانه کتاب منبعی است برای شناخت ادبیات در آینده نه در سر کلاس.

## ۸-۱ داشتن نیت اقتصادی در بومی سازی بعضی دروسنامه ها

در بسیاری از دانشگاههای کشور، مدرّس یا مدرّسینی به اتفاق دروسنامه ای برای درس فارسی عمومی آماده کرده اند و در مناطق دانشگاهی خویش آنرا تدریس یا توصیه به تدریس می کنند. این امر فی نفسه کار قابل تقدیر است؛ اما آنگونه که تجربه شده، موفقیتی در این گونه بومی سازی به چشم نمی خورد؛ به چند دلیل: الف- عدم مهارت و تبحر و دقت در آماده کردن کتاب در مرکزی که این کتاب در آنها چاپ می شود؛ چند بار مشاهده شده است در جلد دروسنامه اطلاعات کافی کتابشناسی از جمله نام مولف یا مولفین، نیامده است؛ (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

ب- با اینکه چندین بار تجدید چاپ می شوند، اشتباهات آنها مرتفع نمی گردد و ویرایش نمی شوند. ج- اخذ امتیاز علمی و نیت دیگر غیر علمی دستاویزهایی است که مولفین این گونه آثار بدان متمسک شده اند. این امر به حدی شایع است که یک کتابچه ۲۰۰ صفحه ای که گلچینی از زبان و ادبیات فارسی است، نام چهار یا پنج مولف را به یدک می کشد، در حالی که هیچ کدام از آنها حتی یک کلمه از خود به متن نیفزوده اند، کارشان فقط انتخاب است و حتی زحمت تدوین علمی متون را هم به خود نداده اند.

## ۲ نقد نمونه هایی از دروسنامه های ادب فارسی

نقد و مقایسه دو دروسنامه آیین نگارش:

نام کتاب	مولف	ناشر	تعداد صفحات	نوبت چاپ
نگارش و ویرایش	احمد سمیعی (گیلانی)	سمت	۳۰۸	پنجم ۸۳
راهنمای ویرایش	غلامحسین غلامحسین زاده	سمت	۱۶۷	دوم ۸۰

دو کتاب فوق، از سه منظر، مورد ارزیابی قرار گرفته اند:

- نگرشی اجمالی به کل کتاب و مطالب ذکر شده در آن

- مقایسه بخش "نشانه ها" با همدیگر

- مقایسه شیوه خط فارسی در دو کتاب

هر کدام از قسمتهای فوق در داخل جدول زیر نمایانده شده اند، سمت راست جدول، مربوط به کتاب نگارش ویرایش احمد سمیعی (گیلانی) است، و سمت چپ جدول، مربوط به کتاب راهنمای ویرایش غلامحسین غلامحسین زاده است.

۱-۲- نگرشی اجمالی به کل کتاب و مطالب ذکر شده در آن

غلامحسین زاده	سمیعی (گیلانی)
بخش نگارش ندارد.	بخش نگارش شامل: فصل ۱ کلیات ۴۱ صفحه فصل ۲ زبان نوشته ۲۶ صفحه فصل ۳ خصایص بلاغی زبان ۱۷ صفحه فصل ۴ راههای پروردن معانی ۲۷ صفحه
مقدمه ندارد.	مقدمه ۳ صفحه شامل: آشنایی با حرفه ویراستاری
ندارد.	فصل اول آشنایی با خدمات ویرایش ۱۳ صفحه
ندارد.	فصل دوم مراحل خدمات ویرایشی ۶ صفحه
کلیات ۵ صفحه	فصل سوم (ویرایش زبانی) ۴۰ صفحه شامل: ۱- مبانی ۲- خطاها و کاربرد های مکروه رایج زبانی: الف- صدیقی، ب- خطاهای نوعی ۳- عربی در فارسی

<p>شيوه خط فارسي ۱۳ صفحه</p> <p>نوشتن کلمه های بیگانه به خط فارسي ۵ ص  نشانه گذاری ۳۰ ص. نشانه های اختصاری و  ویرایشی ۸ ص تنظیم کتابنامه ۱۳ ص پاورقی ۹ ص  نمودارها جدولها و تصویرها ۳ ص تنظیم  فهرست راهنما ۱۰ ص مقیاسها ۴ ص صفحه آرایی  ۹ ص. درست نویسی ۱۰ ص. فرهنگ املايي ۱۳ ص  فهرست راهنمای موضوعي ۷ ص</p>	<p>فصل چهارم (ویرایش فني) ۷۵ صفحه</p> <p>شيوه املا ۲۸ ص نشانه های فصل و وصل  ۱۰ ص آوانویسی، حرف نویسی، اعراب  گذاری، ۳ ص. پانویس ۲ ص ارجاعات و کتاب شناسی  ۷ ص. اعداد و ارقام ۳ ص. ضبط اعلام ۶ ص. جدول  شکل نمودار نقشه ۳ ص. فهرست راهنما ۳ ص واژه  نامه، شرح اعلام... ۱ ص. فهرست مندرجات  اصعلايم و رموزهای مربوط به ویرایش و چاپ  ۳ ص</p>
<p>ضمیمه ندارد.</p>	<p>ضمیمه ها ۳۶ صفحه  شامل نمونه هایی از صفحه عنوان، صفحه  حقوق، واژه نامه، شرح اعلام، فهرست راهنما، غلط  نامه، استدراک و ...</p>
<p>فهرست منابع ۴۱ منبع</p>	<p>فهرست منابع ۷ منبع  ۱۲ منبع را هم برای مطالعه خوانندگان توصیه  کرده است.</p>
<p>فهرست مطالب ۱۴ صفحه برای یک کتاب ۱۶۷  صفحه ای  ( در دو سری یکی در اول و یکی در آخر کتاب)</p>	<p>فهرست مطالب ۴ صفحه برای کتاب ۳۰۸  صفحه ای</p>



۲-۲ بخش نشانه ها

<p>ذیل نشانه ی خط بلند ( — ) نوشته اند:</p> <p>«در نوشتن فهرستهای منابع (کتابنامه ها) به جای تکرار نام نویسنده می آید. در پاورقی افزوده اند: طول این خط در سطر ها ۱۲ سانتیمتری و بیشتر، معمولاً دو سانتیمتر است؛ ولی اگر در نوشته ای طول سطر کوتاه باشد، مثلاً صفحه ها دو ستونی باشد و یا قطع کتاب کوچکتر باشد، به همان نسبت طول این خط نیز کوتاه می شود.» (ص ۶۲)</p>	<p>نشانه ی خط بلند ( — ) ذکر نشده است.</p>
<p>نویسنده - با این همه دقت در مورد "خط بلند" (رک بند فوق) در باره ستاره (*) نوشته اند: «ستاره برای ارجاع، نشاندار کردن، جلب توجه، بیان نکته و مانند آن به کار می رود همچنین است دایره یا مربع توخالی یا توپ؛ بهتر است از ستاره برای ارجاع - جز در موارد ضروری - استفاده نشود.» (ص ۶۲) (تاکید از نویسنده مقاله است.)</p>	<p>در مورد ستاره نوشته اند: برای:</p> <p>۱- ارجاع به مدخل لغت نامه یا دانشنامه -          جلوی عبارات غیر دستوری ۳- جلوی واژه های فرضی به کار می رود. (ص ۲۴۱)</p>
<p>هیچ کدام در موردی متفق القول نیستند. منظور از ارجاع غلامحسین زاده معلوم نیست، و سمیعی هم، ارجاع به پاورقی را ذکر نکرده است.</p>	
<p>نیابوده است.</p>	<p>برای نشانه نیم خط (-) مورد کاربردی ذکر کرده است.</p>
<p>نشانه ی خط موازی (  ) نشانه ی پاراگراف (§) ، نشانه ی تکرار (//) نشانه ی ابرو (~) را ذکر کرده است.</p>	<p>هیچ کدام را نیابوده است            گرچه از نشانه ی § بارها استفاده کرده است. اما توضیحی در باب آن نشانه ندارد. (صص ۲۱۳، ۲۱۴ و ...)</p>
<p>برای خط فاصله (-) ۸ مورد کاربرد ذکر کرده است. (ص ۵۸)</p>	<p>برای خط فاصله (-) ۶ مورد کاربرد ذکر کرده است. (ص ۲۳۹)</p>
<p>با این حال در هیچ موردی مشترک نیستند. فقط در یک مورد (سمیعی) "تغییر سخن گو به ویژه در نمایش یا پاره های مکالمه ای داستان"، و (غلامحسین زاده) برای "آغاز مکالمه های تلفنی و نمایشی" تقریباً</p>	

مشارک اند.	
سمیعی (ص ۲۳۶) در زیر مجموعه سازی یک مطلب دو زیر مجموعه اول را با خط تیره و سوئی را با همد نشان داده است.	
برای نشانه ی خط مورب ( / ) ۳ مورد متفاوت ذکر کرده است. (ص ۲۴۱)	برای نشانه متمیز ( / ) ۲ مورد ذکر کرده است، و یک موردش مثال ندارد. (ص ۶۱)
نام نشانه را یکی خط مورب و دیگری متمیز گذاشته است. در هیچ موردی مشارک نیستند.	
نشانه ی « » را نشانه نقل قول نامیده است. (ص ۲۳۸)	نشانه ی « » را گیومه نامیده است. (ص ۵)
در کاربرد آن نوشته اند: برای جای دادن کلمه یا عبارتی که لفظ آن مراد باشد نه معنی آن و مفهوم آن... « یک بار در ص ۲۴۱ سطر ۱۱ نگاه کنید» و رجوع کنید را درست به کار برده اما در ص ۲۳۹ سطر ۱۴ دو کلمه تا و په را به جای داخل گیومه گذاشتن پر رنگ (bold) کرده است.	کاربرد نقطه ویرگول (؛) را در کمتر از یک صفحه آورده است. (ص ۲۳۶)
کاربرد نقطه ویرگول (؛) را در بیش از ۴ صفحه ذکر کرده است. (ص ۳۹)	کاربرد نقطه ویرگول (؛) را در کمتر از یک صفحه آورده است. (ص ۲۳۶)
با این حال بیان سمیعی جامعتر است. و غلامحسین زاده مواردی را ذکر نکرده است.	
هنگام زیر مجموعه سازی، هنگامی که زیر مجموعه ها را ذکر می کنند، گاهی آخر آنها نقطه ویرگول (؛) و گاهی هیچ علامتی نمی گذارد. (ص ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۱۳۷)	اکثر موارد، بعد از زیر مجموعه ها نقطه ویرگول گذاشته است.

### ۲-۳ شیوه خط فارسی

نشانه صفت یا مضاف الیه بعد از مصوت را به صورت "ه" نوشته است. مانند: "پدیده مذکور" (ص ۵۶)	نشانه صفت یا مضاف الیه بعد از مصوت را به صورت "ی" نوشته است. مانند: همه ی آنها (ص ۱۱۲)
همه جا به صورت "راهنما" و "راهنمایی" آورده است.	همه جا کلمه "راهنما" و "راهنمایی" را به صورت "راه نما" و "راه نمایی" (مقطع راهنمایی) ثبت کرده است.

<p>در داخل کتب هنگام بحث و لایه نمونه از مشخصات کتبه برای نشان دادن نوبت چاپ، "چ" را ذکر کرده و مثال داده اند:</p> <p>«تاریخ بیهقی ... ج. ۹، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴»  (ص ۸۲) و «خاقانی و آیین مسیح ... ج. ۲، تهران: معین ۱۳۶۷» (ص ۸۳)</p> <p>اما خودشان در آخر کتاب "چاپ" نوشته اند. (ص ۱۶۷)</p>	<p>در بحث نوشتن مشخصات کتاب، در داخل متن و فهرست منابع همه جا کلمه "چاپ" را ذکر کرده اند.</p>
<p>هنگام تقسیم بندی از اعداد و حروف ابجدی استفاده کرده است. از اعداد رومی استفاده نکرده است.</p>	<p>با اینکه هیچ توضیحی برای اعداد رومی در کتاب خود نیاورده است، بارها هنگام تقسیم بندی از آنها استفاده کرده است؛ در بخش اعداد و ارقام هم روش استفاده از این اعداد را ذکر نکرده است. (صص ۲۱۰ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ...)</p>
<p>در نوشتن مشخصات کتاب شهرنشر را را قبل از مرکز نشر آورده اند. مثلا: تهران، امیرکبیر</p>	<p>در نوشتن مشخصات کتاب محل نشر را قبل از شهر نشر آورده اند. مثلا: امیرکبیر، تهران.</p>

### خلاصه تحلیل جدول:

هر دو کتاب در انتشارات "سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها" (سمت) - که یکی از مراکز معتبر در این زمینه است - چاپ شده اند. هر دو کتاب دریا در این نگارش و ویرایش رشته زبان و ادبیات فارسی نوشته شده اند.

- یکی از کتابها حجمی به اندازه ۳۰۸ صفحه و دیگری ۱۶۷ صفحه دارد.

- یکی از کتابها بخش نگارش را اصلاً نیاورده است، و دیگری دفتر اول، (۲۸ صفحه) را به آن اختصاص داده است.

- موارد استفاده "نشانه های فصل وصل" (سمعی) با "نشانه گذاری" (غلامحسین زاده) با هم تطابق

ندارد، گاهی ۶ مورد کاربرد یک نشانه اولی با ۸ مورد کاربرد دومی تفاوت دارند.

- در مواردی نام یک نشانه نگارشی، در دو کتاب متفاوت است، مانند: گیومه / نقل قول و خط مورب / نشانه ممیز.

- مولفین از نشانه هایی در متن استفاده کرده اند که نام و طرز کاربرد آن را در بخش نشانه ها نیاورده اند.

- در هر دو کتاب در متن به گونه ای آموزش داده شده است و خودشان گونه ای دیگر عمل کرده اند.

### ۳- نقد درسینامه های فارسی عمومی

در زیر چهار کتاب از کتابهای فارسی عمومی از منظر موضوعات مطرح شده در کتاب، با هم مقایسه می

شوند. لازم به ذکر است که با نگاهی شاملتر و کاملتر می توان موضوعات مطرح شده را بیشتر یا کمتر کرد.

نام کتاب	مؤلف / مولفین	تعداد صفحه ت	ناشر	توبت چاپ
۱ فارسی عمومی	محمود فتوحی / حبیب الله عباسی	۳۵۲	سخن	دهم
۲ برگزیده متون ادب فارسی	جلیل تجلیل / اسماعیل اکمی / محمد رادمنش / علی شیخ	۲۶۸	نشر دانشگاهی	سی و ششم

			الاسلامی / علی مرزبان راد		
۳	زبان و نگارش فارسی	حسن احمدی گویی / تسلیل حاکمی / یدالله شکری / محمود طباطبایی اردکانی	۱۸۱	سمت	بیست و سوم
۴	زبان و ادب فارسی	غلامرضا ارژنگ	۲۱۴	سخن	دهم

در جدول زیر منظور از فتوحی کتاب ۱، منظور از تجلیل، کتاب ۲ و منظور از احمدی گویی، کتاب ۳ است.

و علامت ستاره (\*) نشان دهنده ذکر شدن آن موضوع در آن کتاب است.

موضوعات	فتوحی	تجلیل	احمدی گویی	ارژنگ
پیشگفتار (درباره کتاب)	*	*	*	*
مقدمه (درباره درس فارسی عمومی)	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
ذکر کتابشناسی آثار ذکر شده	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
کتابنامه (فهرست منابع)	ندارد	ندارد	*	*
معرفی کتابهای بیشتر در هر زمینه	*	ندارد	ندارد	ندارد
دسته بندی آثار ادبی (در متن درسنامه)	*	ندارد	ندارد	*
نقد ادبی	۲ صفحه	ندارد	ندارد	ندارد
تمرین نقد ادبی	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
شعر نوزاد شعرا ی طراز اول معاصر ایران	نیما	*	ندارد	*
	اخوان	*	ندارد	ندارد
	شاملو	*	ندارد	*
	فروغ فرخزاد	*	ندارد	ندارد
	سهری	*	ندارد	*
زیان‌شناسی و ادبیات	*	ندارد	ندارد	ندارد

ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	تاریخ زبان فارسی
ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	لغت، ریشه شناسی (اتیمولوژی)
*	*	ندارد	*	نگارش
ندارد	*	ندارد	*	شیوه املاي فارسی
ندارد	*	ندارد	*	ویرایش
ندارد	*	ندارد	*	دستور زبان
*	*	ندارد	*	مقاله نویسی
*	ندارد	ندارد	*	پلاژت
ندارد	ندارد	ندارد	*	بیان
ندارد	ندارد	ندارد	*	معانی
ندارد	ندارد	ندارد	*	بذیع
*	ندارد	ندارد	*	موسیقی شعر، عروض قافیه
ندارد	*	ندارد	ندارد	مکتبهای ادبی
ندارد	*	ندارد	*	سبک شناسی
ندارد	*	ندارد	*	قالب های شعر فارسی
*	*	*	*	متون عرفانی
ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	شناخت عرفان
*	ندارد	ندارد	*	شرح حال مولف و اثری که از آن مطلبی نقل شده است.
ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	بحثهای جدید ادبی (تحلیل گفتمان، مطالعات بین رشته ای . . .)
*	*	*	*	شعر حماسی (شاهنامه)
ندارد	ندارد	*	ندارد	شعر انقلاب و دفاع مقدس
*	*	ندارد	*	نوشتن مباحثی از درسنامه توسط مولف
*	*	*	ندارد	ارزایه معنای لغات مشکل در پاورقی
ندارد	ندارد	ندارد	*	ارزایه معنای لغات مشکل در آخر کتاب

خلاصه تحلیل جدول:

- از مجموعه ۳۸ موضوع ذکر شده در جدول فوق، فتوحی ۲۷ موضوع، تجلیل ۸ موضوع، احمدی گیوی ۱۴ موضوع و ارژنگ ۱۵ موضوع را بررسی کرده اند.
- در یک درسنامه از همه ی شعرای معاصر طراز اول ایران شعری ذکر شده و در دیگری از هیچ کس شعری نشده است.
- از تاریخ زبان فارسی، لغت، ریشه شناسی (اتیمر لوزی) در هیچ کتابی سخنی ذکر نشده است.
- هیچ کتابی از شناخت عرفان بحثی به میان نیاورده است.
- هیچ کتابی درباره درس فارسی عمومی و زبان و ادبیات فارسی و لزوم آشنایی با آن بحثی نکرده است.
- تعداد ستاره ها (موضوعات بحث نشده) ۹۲ مورد و تعداد موضوعات که در جدول آمده، ۶۲ مورد است.
- فقط در ۳ موضوع همه کتابها مشترک اند. (متون عرفانی، شعر حماسی و نوشتن پیشگفتار).
- و ... از این جدول نتایج زیاد دیگری نیز به دست می آید که مجال ذکر همه ی آنها در این جا نیست.

### نتیجه

زبان و ادبیات فارسی قدمت دیرینه ای دارد. این رشته قبل از اینکه وارد دانشگاه شود به صورت سنتی در مکتب خانه ها و مراکز دیگر محلی به صورتی دیگر آموزش داده می شد. از وقتی که در دانشگاه های کشور نیز آموزش داده می شد وضعی کمابیش سنتی داشت که کیفیت و ماحصل این نوع آموزش بر هیچ کس پوشیده نیست و از نتایج آن دانشمندان بزرگ در گذشته و حاضر ادبیات فارسی است.

در دورانی که روشها علمی وارد دانشگاه شد به ادبیات فارسی نیز سرایت کرد و برای عقب نماندن از قافله علم و تخصصی شدن در رشته زبان و ادبیات فارسی تحولاتی حاصل شد که درسنامه نویسی یکی از آنهاست. درست است که درسنامه نویسی برای بعضی از رشته های علمی که دارای فرمولها و قواعد و قوانین فرار هستند بسیار لازم است، اما ادبیات فارسی از گذر این موضوع آسیبهای فراوانی دیده است.

جزیی نگری، کلاس بنیادی، نمره محوری و ... از ضربه های مهلکی است که این امر به همراه داشته است. در این مقاله فقط درسنامه دو درس به طور اجمالی در چند مورد محدود بررسی شدند که نتایج قابل ملاحظه ای به دست داد. اگر بتوان همه ی آسیبهای جدی این امر را پیگیری کرد شاید بتوان کمی زودتر از اینکه برای همیشه دیر شود، فکری برای دنیای بی سر و سامان آموزشهای ادبی کرد. تیّات غیر مادی درسنامه نویسان و حوصله ماشینی دانشجویان لزوم ادامه چنین کاری را طلب می کند، اما باید از طرف

متوکیان این امر برای جلوگیری از خشک شدن این درخت کهنسال که جهانیان امروزه در طلبش برآمده اند، تصمیمی گرفته شود. می توان با برپایی نشست های علمی برای دنیای بی سر و سامان درسامه نویسی در زبان و ادبیات فارسی فکری کرد.

#### منابع:

- ۱- احمدی گیوی، حسن و اسماعیل حاکمی، بدالله شکری، محمود طباطبایی اردکانی؛ زبان و نگارش فارسی تهران، سمت، چاپ بیست و سوم ۱۳۸۴.
- ۲- ارزنگ، غلامرضا، زبان و ادب فارسی (ویرایش جدید) تهران، قطره، چاپ دهم، ۱۳۸۲.
- ۳- تجلیل، جلیل و اسماعیل حاکمی، محمد رادمنش، علی شیخ الاسلامی و علی مرزبان زاد، برگزیده متون ادب فارسی، با تجدید نظر کلی، تهران نشر دانشگاهی، چاپ سی و ششم ۱۳۸۳.
- ۴- سمیعی (گیلانی) احمد، نگارش و ویرایش، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
- ۵- فتوحی، محمود و حبیب الله عباسی، فارسی همومی، تهران، سخن، چاپ دهم، ۱۳۸۴.
- ۶- غلامحسین زاده، غلامحسین، ویرایش، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

#### نشانی:

دانشگاه: دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی.

محل سکونت: رشت، خیابان بوسار، بن بست تندکار، ساختمان پارس، درب اول واحد ۸.

تلفن همراه ۰۹۱۱۳۳۰۲۴۴۹ منزل: ۰۱۳۱-۷۲۳۵۴۸۸

E.mail: jsabzalipor@yahoo.com



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.